

کانون وکلا

سال هفدهم

آذر - دی ۱۳۴۴

شماره ۹۹

طرح مربوط باضافه نمودن موادی بقانون آئین دادرسی مدنی

در بهمن ماه سال ۱۳۴۳ طرحی بامضای پانزده نفر از آقایان سناتورها تحت عنوان :

« طرح مربوط باضافه نمودن موادی بقانون آئین دادرسی مدنی » تقدیم مجلس سنا گردید تا پس از تصویب بقانون آئین دادرسی مدنی اضافه گردد. این طرح بکانون وکلا ارسال گردید و هیأت مدیره کانون پس از مطالعات لازم نظرات خود را برای اطلاع جناب آقای دکتر سجادی سناتور محترم ارسال نمود که رونوشت آن نظرات نیز برای جناب آقای وزیر دادگستری فرستاده شد.

طرح آقایان سناتورها در کمیسیون شماره ۳ مجلس سنا مورد مطالعه قرار گرفت و کمیسیون در تاریخ دوازدهم دیماه سال جاری گزارشی در این مورد مشتمل بر ۲۰ ماده تهیه و تقدیم مجلس نمود.

گزارش کمیسیون مجلس نیز در هیأت مدیره کانون وکلا مطرح و نظراتی نسبت بان اظهار و برای آقایان سناتورهای محترم فرستاده شد و عدهای از آقایان همکاران از جمله آقای ارسلان خلعتبری آقای منصوریان و آقای دکتر کاتبی و عدهای دیگر نظراتی اظهار داشتند که اینک برای اطلاع خوانندگان محترم به ترتیب :

- ۱- طرح تهیه شده از طرف آقایان سناتورها .
- ۲- نظرات هیأت مدیره کانون .
- ۳- گزارش کمیسیون شماره ۳ مجلس سنا .
- ۴- نظر کانون و خلاصه نظرات سایر همکاران درج میگردد .

طرح آقایان سناتورها

۱- این امر مسلم است که تقریباً صدی هشتاد از دعاوی دادگستری مربوط بدیون است بطوریکه قاضی دادگستری بجای تحقیق در سبب و حقوق و صدور احکام مستدل در اختلافات عمیق حقوقی و ایجاد رویه قضائی قسمت عمده وقت خود را باید صرف صدور احکام مشابه بهخشنامه وار در مورد دیون که مستندات آنها اسناد عادی و سفته و برات است بنماید و وقت دادگاهها در جریان عدم ابلاغ

دادخواست و انتشار آگهی درجراید و سایر امور از این قبیل تلف گردد .

۲ - گرفتاری دیگر محاکم ناشی از وضع شرکت‌ها نداشتن مدیر و نشانی صحیح و این نوع مطالب است که موجب تأخیر در رسیدگی دعاوی میگردد - برای حل این مشکل علاوه بر اصلاحاتی که لازم است در قانون تجارت بعمل آید هر شرکت باید موظف شود بمحض تأسیس شرکت و ضمن تسلیم اظهارنامه تأسیس شرکت یک وکیل از بین وکلای دادگستری انتخاب و معرفی نماید و در موقع انتشار آگهی تأسیس شرکت باید نام و نشانی این وکیل منتشر شود و مادام که وکیل دیگری رسماً معرفی و نام نشانی او اعلان نشده است هرگونه دعوائی که علیه شرکت اقامه شود باید بهمان وکیل سابق ابلاغ گردد و بعلاوه وکیل انتخاب شده مسئول صحت تشریفات صوری تشکیل شرکت و دعوت جلسات مجمع عمومی باشد - اتخاذ این رویه قسمتی ازدعاوی دادگستری را کم کرده و به تسریع در رسیدگی بدعاوی اقامه شده علیه شرکتها کمک مینماید .

۳ - در نقاطی که وزارت دادگستری اعلام میکند استفاده از وجود وکیل در دعاوی اجباری شود و بعلاوه دادخواستهای فرجامی موقعی قابل جریان یافتن باشد که یک وکیل پایه یک دادگستری آن را تقدیم و قابل پیشرفت بودن آنرا تصدیق نماید . ضمناً مقرراتی پیش بینی شود که هر گاه در یک سال پیش از چند درصد از دادخواستهای فرجامی یک نفر وکیل منتهی بابرام حکم فرجام خواسته شود آن وکیل برای مدتی ازدادن عرضحال فرجامی محروم شود . اجرای این نظر بار دیوان کشور را سبک کرده و بمستشاران دیوان کشور مجال خواهد داد احکام خود را مستدل صادر کرده و رویه‌های قضائی متین و استدلالی اتخاذ شود ، عمل باین ترتیب در واقع ایجاد یک نوع شعبه قبول ورد درخواست در دیوان کشور میشود .

۴ - اجرای بعضی از تشریفات جزئی دادخواستها برعهده وکلای دادگستری و سردفتران اسناد رسمی گذاشته شود از قبیل تطبیق رونوشت اسناد با اصل - گواهی امضاء موکل و غیره .

۵ - به مدعی و وکیل او اختیار داده شود در بعضی از موارد ابلاغ و اجراء احکام را از وکلاء یا سردفتران اسناد رسمی که در آن دعوی سمتی ندارند استفاده کنند .

باتوجه بنکات بالا طرح زیر تهیه و تقدیم میگردد تا مورد توجه مجلس محترم منا واقع گردد .

دکتر سجادی - حجازی - بهادری - جعفری - اشرف احمدی - نوری
اسفندیاری - دکتر آشتیانی - سرلشگر مطبوعی - جلیلی - اسدی - مهدی نمازی
سرلشگر میر جلالی - علامه وحیدی - سعیدی - پرویز یار افشار.

« مواد زیر بآئین دادرسی مدنی اضافه میشود »

ماده ۱ - وکیل دادگستری میتواند اسنادی را که باید ضمیمه دادخواست نماید شخصاً مطابقت آنها را با اصل تصدیق کند و پس از الصاق تمبر مقرر در آئین دادرسی پیوست دادخواست خود نماید.

ماده ۲ - وکیل میتواند در ذیل وکالت نامه تایید کند که وکالت نامه را موکل او شخصاً در حضور او امضاء یا مهر کرده یا انگشت زده است در اینصورت احتیاجی به تصدیق مرجع دیگری نیست و این وکالت نامه جز در مورد حق اخذ وجه و حق اقرار به ضرر موکل و حق ادعای جعل و حق صلح و سازش و حق ارجاع بدآوری از طرف محاکم پذیرفته میشود.

ماده ۳ - خواهان یا وکیل او ضمن دادخواست یا در جریان دادرسی میتواند تقاضا نماید که اوراق راجع بدعوی بوسیله یکنفر وکیل درجه اول دادگستری یا سر دفتر درجه اول اسناد رسمی و در صورتیکه در محل اقامت خوانده وکیل درجه اول دادگستری و سر دفتر درجه اول اسناد رسمی نباشد بوسیله سپاهی دانش یا یکی از اعضاء خانه انصاف یا کدخدای محل یا بخشدار یا مدیر یکی از دبستانها یا دبیرستانها ابلاغ گردد. در این صورت در موقع صدور ابلاغ نامه چگونگی در ورقه مربوطه قید و اوراق مربوطه جهت نامبردگان فوق ارسال میشود.

ماده ۴ - خواهان باید موافقت هر یک از اشخاص فوق را در قبول تصدی امر ابلاغ ضمیمه دادخواست خود نماید در موافقت نامه مذکور نشانی دقیق متصدی باید تعیین گردد. موافقت نامه مذکور روی اوراقی که نمونه آن از طرف وزارت دادگستری تهیه و بفروش میرسد باید تنظیم گردد.

ماده ۵ - کسی که بترتیب فوق برای ابلاغ اوراق تعیین میگردد نباید مشمول مواد قانون آئین دادرسی (مربوط برد دادرسی) باشد.

ماده ۶ - در موارد فوق مسئول صحت ابلاغ شخصی است که بترتیب فوق تعیین شده است و در ذیل اخطار نامه باید از طرف نامبرده صحت ابلاغ گواهی گردد. وکلای دادگستری و سردفتران میتوانند بوسیله مأمورین زیر دست خود و

بمسئولیت خود ابلاغ را انجام دهند ولی سایر اشخاص مذکور در این ماده باید شخصاً متصدی ابلاغ باشند. ابلاغ و اوراق باید با رعایت مواد آئین دادرسی مدنی صورت گیرد.

ماده ۷ - هرگونه شرکت تجارتی یا مؤسسه غیر تجارتی وقتی به ثبت خواهد رسید که در موقع معرفی هیئت مدیره یک نفر از وکلای دادگستری مقیم در مرکز آن شرکت را بوكالت خود معرفی نماید. وکیل مذکور مادام که جانشین اورسماً از طرف شرکت معرفی نشده و آگهی مربوط بمعرفی جانشین او منتشر نگردیده است مرجع منحصر بفرد هرگونه ابلاغی است که قانوناً بشرکت یا مؤسسه مذکور باید بعمل آید و ابلاغاتی که بنامبرده طبق قانون آئین دادرسی مدنی میشود در حکم ابلاغ بشرکت یا مؤسسه‌ای است که نامبرده بعنوان وکیل آنشرکت و مؤسسه معرفی شده است. اقامتگاه وکیل مذکور مادام که بوسیله آگهی رسمی تغییرنکرده باشد همان اقامتگاهی است که در اولین آگهی رسمی تعیین شده است و در هر حال این اقامتگاه نباید محلی غیر از دفتر وکالت وکیل مذکور که طبق قانون وکالت تشکیل شده است باشد.

ماده ۸ - وکیلی که طبق ماده ۷ تعیین و معرفی میگردد مادام که مستعفی نشده یا عزل نگردیده مسئول صحت تشریفات صوری شرکت یا مؤسسه مذکور از قبیل تشکیل جلسات مجمع عمومی صحت انتخاب مدیران و بازرسان - انتشار به موقع اساسنامه و امثال آن میباشد.

ماده ۹ - وکیلی که طبق ماده ۷ تعیین میگردد در صورت استعفا مادام که جانشین نامبرده به ترتیب مذکور در ماده ۷ معرفی شده از نظر قبول ابلاغات هم چنان مسئولیت دارد و پس از قبول بهر وسیله که مقتضی بداند میتواند آنها را به مؤسسه‌ای که او را انتخاب کرده بوده برساند معهداً از نظر مراجع قانونی و اشخاص ثالث ابلاغ به شخص نامبرده کافی است.

ماده ۱۰ - شرکتهائی که قبل از این تاریخ تشکیل شده‌اند مکلف هستند ظرف دو ماه از تاریخ تصویب این قانون بترتیب مذکور در ماده فوق وکیل خود را به اداره ثبت شرکتهای معرفی و ترتیب انتشار آگهی مربوط به این انتخاب را بدهند. در صورت تخلف و بنا باعلام هر مراجع کننده‌ای دادستان شهرستان از

دادگاه شهرستانی که مرکز شرکت در حوزه صلاحیت این دادگاه واقع است تقاضای تعیین وکیل مینماید و دادگاه شهرستان از بین وکلای مقیم آن حوزه وکیل را انتخاب و بنامبرده ابلاغ میکند که طبق ماده ۷ و ۸ و ۹ این قانون اقدام نماید. انتخاب وکیل مذکور در جلسه اداری بعمل میآید عدم ابلاغ وقت رسیدگی بشرکت یا مؤسسه مانع از اقدام دادگاه در انتخاب وکیل نیست.

ماده ۱۱ - کلیه دادخواستهای فرجاسی وقتی بجزریان خواهد افتاد که لایحه فرجاسی آن رایگی از وکلای پایه یک دادگستری تنظیم و امضاء کرده باشد نبوده امضاء وکیل در ذیل دادخواست فرجاسی و نبودن وکالتنامه وکیل در پرونده امر یکی از نقائص محسوب و نسبت بان طبق ماده ۳۴ آئین دادرسی مدنی رفتار خواهد شد.

ماده ۱۲ - در صدر لایحه فرجاسی وکیل باید صریحاً تأیید کند که این لایحه منطبق بر نظریات قضائی شخصی اوست و برطبق نظر قضائی او دادنامه فرجام خواسته قابل نقض میباشد عدم ذکر این جمله یکی از نقائص محسوب و نسبت بان طبق ماده ۳۴ آئین دادرسی مدنی رفتار خواهد شد.

ماده ۱۳ - هرگاه سالیانه بیش از پنجاه درصد از دادنامه های فرجام خواسته یکنفر وکیل دادگستری ابرام گردد وکیل مذکور برای مدت پنج سال از قبول وکالتهای فرجاسی محروم خواهد شد.

در اجرای این ماده تحت نظر مدیر دفتر دیوانعالی کشور دفتری تشکیل و نام هریک از وکلای دادگستری که دادخواست فرجاسی میدهند در آن بتفکیک ثبت و نتیجه پرونده مربوطه نیز یادداشت و سپس در آخر هر سال تعیین خواهد شد که چند درصد از عرضحال های وکیل دادگستری به نقض یا ابرام منجر شده است باتوجه به نتیجه حاصل دفتر دیوان کشور همه ساله صورت وکالتی را که از وکالت در دیوان کشور محروم شده اند اعلام خواهد کرد.

ماده ۱۴ - هرگاه در محل اقامت فرجامخواه وکیل دادگستری نباشد و این معنی مورد تصدیق دادگاهی که دادخواست فرجاسی به آن دادگاه داده شده است یارئیس دفتر دیوان کشور (برحسب مورد) واقع گردد پرونده پس از تکمیل از طرف مدیر دفتر دیوانعالی کشور یکی از وکلای دادگستری مقیم مرکز

که مجاز دروکالت در دیوان کشور است ارجاع واز نامبرده خواسته میشود که عقیده خود را بر قابلیت طرح دعوی در دیوان کشور ابراز و در صورتیکه عرضحال را قابل طرح نداند آن را مشروحاً اظهار و هر گاه رأی صادره را قابل نقض میدانند جهات نقض را بتفصیل یادداشت کند هر گاه عقیده وکیل دادگستری بر غیر قابل طرح بودن دعوا باشد و دادیار دیوان کشور نیز با این عقیده موافق باشد عدم قبول دادخواست از طرف شعبه مربوطه اعلام میگردد.

ماده ۱۵ - مقررات مربوط بدادرسی اختصاری در دادگاههای شهرستان اجرا نخواهد شد و کلیه دعاوی دادگاههای شهرستان جز در مواردیکه دعوی برطبق مواد زیر جریان یافته باشد بنا بمقررات دادرسی عادی جریان خواهد یافت.

ماده ۱۶ - در دعاوی که موضوع آن مطالبه وجه نقد و دعوی مستند باسناد عادی است دادگاهها میتوانند بنا بتقاضای خواهان بدون احضار خوانده و در جلسه اداری و فوق العاده با ملاحظه اصول اسناد خواهان و اخذ تأمین کافی برای جبران خسارات احتمالی خوانده اقدام بصدور حکم غیابی نمایند. این قبیل احکام از حیث آثار تابع مقررات مواد ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ آئین دادرسی مدنی میباشد.

ماده ۱۷ - در دعاوی مربوط باسنادی که مشمول ماده ۲۹۲ قانون تجارت است تأمین مذکور در ماده فوق اخذ نخواهد شد.

ماده ۱۸ - در موردیکه حکم غیابی برطبق ماده ۱۶ صادر و اجرا شده است محکوم به وصول شده وقتی بمحکوم له داده خواهد شد که مفاد حکم و اجرائیه واقعاً بمحکوم علیه ابلاغ و نامبرده در مدت مقرر قانونی طبق ماده ۱۷۵ قانون آئین دادرسی مدنی اقدام بتقدیم دادخواست و اخواهی نکرده باشد.

ماده ۱۹ - تشخیص اینکه محکوم علیه از مفاد حکم واقعاً اطلاع حاصل کرده است با دادگاههیست که دستور اجرای حکم را داده است.

ماده ۲۰ - مادام که محکوم علیه از مفاد حکم و اجرائیه واقعاً اطلاع حاصل نکرده باشد محکوم به در صندوق دادگستری نگاهداری خواهد شد.

ماده ۲۱ - هر گاه در اثر صدور حکم غیابی و اجرائیه مربوط بان مالی بازداشت گردد و محکوم علیه غایب بحکم اعتراضی کند مادام که نتیجه قطعی دادرسی معلوم نشده آن مال در بازداشت خواهد ماند.

ماده ۲۲ - هرگاه حکمی که طبق ماده ۱۶ صادر میشود مورد اعتراض محکوم علیه واقع گردد و نتیجه تأیید گردد محکوم علیه علاوه بر پرداخت خسارت تأخیر تأدیه قانونی متناسب مدتی که دعوی در جریان بوده است به پرداخت مبلغی که از ده درصد خواسته کمتر و از پنجاه درصد آن بیشتر نباشد بعنوان جریمه اعتراض غیرموجه بنفع خواهان محکوم خواهد شد و معادل همین مبلغ بعنوان هزینه های اداری دادرسی محکوم میشود که بصندوق دولت پردازد.

ماده ۲۳ - هرگاه پس از اعتراض بحکم غیابی محکوم علیه بتواند بیحقی خواهان را ثابت کند و حکم قطعی بر بی حقی خواهان صادر شود دادگاه ضمن صدور حکم علاوه بر محکومیت خواهان بپرداخت هزینه های عادی دادرسی و حق الوکاله و هزینه سفر وکیل متناسب مدتی که دعوا در جریان بوده و باتوجه بوضع عملیات اجرائی او را بپرداخت مبلغی که از ده درصد خواسته کمتر و از پنجاه درصد آن بیشتر نباشد بعنوان جریمه دعوای واهی بنفع خواننده محکوم خواهد کرد و معادل همین مبلغ بعنوان هزینه های اداری دادرسی محکوم مینماید که بصندوق دولت پردازد.

ماده ۲۴ - خساراتیکه خواهان بپرداخت آن محکوم میشود بوسیله دادگاه صادرکننده حکم و از محل تأمینیه که طبق ماده ۱۶ - اخذ شده است وصول و بدوآ خسارت خواننده پرداخت و اگر مازادی باقی بماند هزینه های اداری مربوط بصندوق دولت از محل آن برداشت خواهد شد.

ماده ۲۵ - در صورتیکه تأمینیه که اخذ شده کمتر از مبلغ مورد حکم باشد خواننده و دولت برای وصول محکوم به مذکور در حکم طبق مقررات اجرای احکام رفتار خواهند کرد و از مال تحصیل شده بدوآ خسارت خواننده جبران میگردد.

ماده ۲۶ - بمحض صدور حکم توقف کلیه دعوای مربوط به شخص متوقف طبق ماده ۲۹ قانون آئین دادرسی توقیف و چگونگی به متصدی تصفیه از طرف دادگاه اعلام میشود - جریان مجدد دعوی موکول به فسخ دادنامه توقف یا تقاضای اداره تصفیه و یا مدیر تصفیه میباشد. در مورد این ماده کسانیکه علیه متوقف اقامه دعوی کرده اند پس از توقیف دادرسی میتوانند با اداره تصفیه مراجعه و طبق مواد مربوط به تصفیه امور ورشکستگی ادعای خود را اظهار کنند و متصدی تصفیه

مکلف است با توجه بجریان دعوی و مستندات خواهان به ادعا اظهار نظر نماید در صورتیکه مدیر تصفیه دعوی را جزاً یا کلاً رد نماید یا هرگاه طبق ماده ۶۸ و ۳۵ و ۳۶ قانون تجارت و مواد ۳۵ و ۳۶ قانون تصفیه با مدعی رفتار شد یا طلب نامبرده از طرف اداره تصفیه یا مدیر تصفیه مورد تصدیق واقع نشد مدعی میتواند بطرفیت اداره تصفیه دعوی خود را جریان دهد.

نظر کانون و کلا

نتیجه مطالعات هیئت مدیره کانون و کلا در طرح پیشنهادی آقایان سناتورها بمجلس سنا مربوط به اضافه نمودن موادی به قانون آئین دادرسی مدنی :

۱ - کانون و کلاء از اقدامی که توسط آقایان سناتورها در زمینه پیشنهاد اصلاح آئین دادرسی مدنی شده است خرسند میباشند و معتقد است که اغلب مطالب مورد نظر آقایان با توجه به مقدمه‌ای که بر طرح مرقوم فرموده اند از نکات ضروری و اساسی است و آرزومند است که بالتفات به پیشنهادات هیئت مدیره کانون و کلاء هرچه زودتر از تصویب قوه مقننه بگذرد.

۲ - هیئت مدیره کانون و کلاء متأسفانه باماده سه طرح مخالف است و اعتقاد دارد که تکلیف ابلاغ بخصوص بوکیل دادگستری هم دون شأن وکیل دادگستری است و هم ایجاد مشکلاتی برای و کلاء مینماید که نه بصلاح و کلاء است و نه بمصلحت اصحاب دعوی بنا براین پیشنهاد حذف مواد ۳ و ۴ و ۵ آنرا مینماید و یا لاقلاً تفاضا دارد عنوان وکیل دادگستری از ماده سه حذف گردد.

۳ - در مورد معرفی وکیل از طرف شرکتهای که قبلاً مورد مطالعه و نظر کانون و کلاء هم واقع شده است و حتی نظر کانون به کمیسیونی که در اطاق بازرگانی مشغول مطالعه اصلاح قانون تجارت میباشد داده شده است از نظر سرمایه شرکتهای محدودیتی در حداقل قائل شده بود که تصور میروود برای آنکه تحمیلی بر شرکتهای کم سرمایه نشود بی موقع نباشد که باین موضوع از طرف آقایان توجه گردد.

۴ - بآنکه یکی از نکات مورد نظر در مقدمه طرح قسمت سه استفاده از وجود وکیل در دعاوی بوده است در متن طرح جز در مورد دادخواستهای فرجاسی ماده ای راجع باین موضوع دیده نمیشود و چون قبلاً این نظر تا اندازه ضمن قانون

آئین دادرسی مدنی تأمین شده بود که بعداً بلحاظ نبودن تعداد کافی وکیل ماده مربوطه موقوف الاجراء گردید و اخیراً هم ضمن مطالعه لایحه کارگزاران قضائی در مجلس محترم سنا باین موضوع توجه و در کمیسیون ماده‌ای راجع بلزوم استفاده از وکیل در دعاوی بر لایحه مزبور اضافه شده بود هیئت مدیره با مطالعاتی که از جمیع جهات نموده بود ماده مزبور را به کیفیت زیر بجناب آقای وزیر دادگستری پیشنهاد نمود که از تصویب مجلسین بگذرانند.

اینک بحکم آن سوابق انتظار دارد با توجهی که آقایان پیشنهاد دهندگان طرح در مقدمه طرح باین موضوع مبذول فرموده‌اند ماده ۱۱ طرح به کیفیت زیر تنظیم گردد:

«در کلیه دعاوی در دادگاه‌های بخش متداعیین میتوانند شخصاً یا بتوسط وکیل دادگستری دادرسی کنند. ولی در نقاطی که وکیل دادگستری بتعداد کافی موجود است در دادگاه شهرستان و استان و دیوان کشور برای تقدیم دادخواست دادرسی باید وکیل داشته باشند.

«وکلاء دادگستری در حدود پایه وکالت خود و قضات و استادان دانشکده حقوق میتوانند نسبت بدعاوی راجع بخودشان شخصاً در دادگاه شهرستان و استان و دیوان کشور دادخواست داده و دادرسی نمایند.

«نبودن امضای وکیل ذیل دادخواست و نبودن وکالت نامه وکیل در پرونده امر یکی از نقائص محسوب و نسبت بمورد اخطار رفع نقص خواهد شد.

«در صورتیکه خوانده وکیل تعیین ننماید و یا در صورت عزل و یا استعفا یا فوت یا حجر یا ممنوعیت وکیل یکی از طرفین دادگاه بخوانده‌ای که وکیل تعیین ننموده و بموکلای که وکیلش بیکی از جهات مذکور نمیتواند دخالت وکالتی نماید اخطار میکند که ظرف پنج روز وکیل خود را معرفی نماید و هرگاه در مدت مذکور اقدام ننمود در حکم حضور و ندادن پاسخ بدعوی تلقی میشود و بتقاضای طرف دیگر دادگاه بدعوی رسیدگی مینماید.

«تبصره - در نقاطیکه وکیل دادگستری بتعداد کافی موجود است وزیر دادگستری در ظرف یکماه از تاریخ تصویب این قانون و در نقاط دیگر در ظرف یکماه از تاریخ موجود شدن عده کافی وکیل در آن نقطه اجرا ماده مزبور را آگاهی خواهد کرد»

۵ - چون متأسفانه در ابرام دادنامه های فرجامخواسته عمل متعارف دیوان کشور برابر ابرام دادنامه با اکتفای بعدم موجه بودن اعتراضات فرجامی است و معمولاً ذکر دلیل نمیشود و چون اغلب اتفاق می افتد در مسائل نظری بین نظر قضائی وکیل فرجامخواه با نظر قضائی شعبه دیوان کشور اختلاف موجود باشد بدون آنکه بتوان وکیل فرجامخواه را از این جهت مسئول و مستوجب محرومیت از دخالت در دیوان کشور نمود لذا هیئت مدیره معتقد است ماده ۱۳ طرح بترتیب زیر اصلاح شود.

«هرگاه سالیانه بیش از ۵ مرتبه از دادنامه های فرجامخواسته یک نفر وکیل دادگستری با اتفاق آراء ابرام گردد وکیل مذکور قابل تعقیب و پس از رسیدگی بمجازات انتظامی درجه ۴ و ۵ محکوم خواهد شد.»

۶ - البته آقایان سناتورهای محترم مسبوق میباشند که اسروکالت تسخیری امروز یکی از مشکلات وکلای دادگستری است و با اشتغال قسمت عمده وقت ایشان باین امر ایجاد زحمت و ضرر زیادی برای آنان شده است و با این وصف تحمیلی که در ماده ۱۴ طرح پیشنهادی بآن اشاره شده است بروکلا را هیئت مدیره بهیچوجه مقتضی نمیداند مگر آنکه تکلیفی برای حق الوکاله وکیل معلوم شود تا بتواند وظیفه شعبه عرایض را که اصولاً برعهده قضات است بعهده بگیرد و لذا تقاضای توجه مخصوص باین نکته را دارد.

۷ - با ملاحظه ماده ۱۵ طرح و اینکه نظر بعدم اجرای مقررات مربوط بدادرسی اختصاری در دادگاههای شهرستان داده اند و با توجه باینکه موضوع تجدید جلسه هم باعث تأخیر در جریان رسیدگی وهم موجب شکایت وزارت دادگستری وعده ای از وکلاء دادگستری شده است هیئت مدیره کانون با توجه بجمعیه جهات پیشنهاد مینماید که اصلاحات زیر نیز در آئین دادرسی مدنی بعمل آید.

« ۱ - در ماده ۱۲۸ مراتب زیر مورد توجه قرار گیرد.

«الف - توضیحاتی را که قاضی لازم میدانند باید توضیح مؤثر باشد.

«ب - برای قاضی که بعلت توضیح غیر مؤثر تعیین جلسه نموده است مسئولیت انتظامی پیش بینی گردد.

«ج - در صورتیکه وکیل برای توضیح مؤثر دعوت بحضور در جلسه شده

باشد و قانوناً معذور از حضور باشد بتواند کتباً جواب توضیح را بدهد.
و بطور خلاصه ماده ۱۲۷ به کیفیت زیر تدوین گردد :

«مدیر دفتر پس از مبادله لوایح باید پرونده را در ظرف ۲۴ ساعت بنظر حاکم دادگاه برساند و حاکم دادگاه پرونده را ملاحظه نموده در صورتیکه محتاج بتوضیحات از اصحاب دعوی نباشد رای آنرا فوراً صادر میکند و اگر محتاج بتوضیحی باشد که مؤثر در دادرسی است موارد آنرا بطور روشن در صورت مجلس قید کرده دستور ابلاغ رونوشت آنرا بطرفین و تعیین جلسه برای استماع توضیح را میدهد و طرفین میتوانند در جلسه حاضر شده توضیح بدهند یا جواب توضیحات را نوشته بفرستند.

«تبصره - در صورتیکه دادرسی امری را که مؤثر در دادرسی نیست وسیله توضیح و یا تأخیر رسیدگی قرار داده باشد مورد تعقیب انتظامی واقع خواهد شد.»
۲ - ماده ۲۸ قانون وکالت بنحو زیر اصلاح شود :

«در صورتیکه وکیل در دیوان جنائی یا دیوان کیفر و یک و یا چند محکمه دیگر احضار شده و جمع بین اوقات ممکن نباشد باید در دیوان کیفر و دیوان جنائی حاضر شود و برای سایر محاکم مطالب خود را کتباً ضمن لایحه ای تسلیم نماید.»

«۳ - در ماده ۶۹ مکرر آئین دادرسی هم قید شود در صورتیکه شخصی دو وکیل داشته باشد با وجود عذر موجه یک وکیل در صورت حضور وکیل دیگر و یا وصول لایحه از یکی از وکلاء محکمه باید رسیدگی نماید و تجدید وقت نکند.»

«۴ - عملاً دیده شده است که تصریح اختیارات بشرح ماده ۶۲ آئین دادرسی مدنی مشکلاتی را ایجاد نموده است که یکی از مضار آن تجدید جلسات باعتبار نداشتن یا عدم صراحت اختیارات است و حال آنکه قسمتی از اختیارات وکیل لازمه وکالت و حق مراجعه است و لذا پیشنهاد مینماید که فقط اختیارات زیر محتاج بتصریح در وکالتنامه ها باشد.

«الف - وکالت در مصالحه و تعیین وکیل سازش.

«ب - وکالت در ادعای جعل نسبت بسند طرف و استرداد سند و تعیین

جاعل.

«ج - وکالت در ارجاع دعوی بدآوری و تعیین داور

«د - وکالت در توکیل

« ۵ - وکالت در اقرار

«و - وکالت در استرداد دعوی

«و در ماده ۶۲ تصریح شود که وکالت در دادگاهها شامل تمام اختیارات راجعه بامور دادرسی و من جمله وکالت راجع به پژوهش - فرجام ، تعیین مصدق و کارشناس دعوی خسارت ، جلب شخص ثالث و دفاع از دعوی ثالث ، وکالت در دعوی متقابل و دفاع از دعوی نامبرده میباشد . مگر آنچه صریحاً استثناء شده باشد» .

۵ - چون از طرفی در صورت تصویب طرح پیشنهادی باتکالیف و اختیاراتی که بوکیل داده می شود و از طرفی با مشکلاتیکه عملاً کانون و کلاء مواجه با آن شده است آئین نامه فعلی قانون وکالت که باعتبار ماده ۲۲ قانون در ظرف دو ماه تنظیم و تصویب شده بود کافی بنظر نمی رسد و بخصوص لازم است از نظر مقررات انتظامی متناسب با اختیارات و تکالیف و کلاء در آن اصلاحاتی بعمل آمده و تکمیل گردد لذا کانون و کلاء پیشنهاد مینماید که ماده زیر نیز بطرح پیشنهادی آقایان سناتورها اضافه شود .

«بکانون و کلاء دادگستری طهران اجازه داده میشود که مقررات تکمیلی و اصلاحی آئین نامه های اجرائی قانون وکالت و لایحه استقلال کانون و کلاء را تهیه و پس از تصویب وزیر دادگستری بموقع اجرا گذارند.»

۶ - بنظر هیئت مدیره کانون و کلاء جریمه ای که در مورد انکار از سند و ادعای جعل در قانون آئین دادرسی مدنی پیش بینی شده تضمین کافی برای جلوگیری از انکار و ادعای جعل محسوب نمیشود بعلاوه انکار از سند منسوب به شخص طرف دعوی در قوانین کشورهای راقیه دیده نمیشود و یکی از موجبات مسلم اطاله جریان دادرسی است و لذا هیئت مدیره پیشنهاد مینماید که :

«اولا جریمه مخصوص بادعای جعل و تردید شود که البته در مورد تردید مقید باثبات علم تردید کننده بصحت ورقه ای که تردید نموده گردد .

«ثانیاً - این جریمه از جریمه فعلی بمراتب بیشتر گردد .

«ثالثاً - موضوع انکار بکلی از آئین دادرسی مدنی حذف شود.»

گزارش کمیسیون

دوره اجلاسیه ۴۴ - ۴۵ مجلس سنا

شماره ۸۶

بتاریخ ۱۲ دیماه ۱۳۴۴

گزارش از کمیسیون شماره ۳ (داد گستری و استخدام) بمجلس سنا
 طرح مربوط باضافه نمودن موادی بقانون آئین دادرسی مدنی تقدیمی
 آقایان سناتورها در کمیسیون شماره ۳ (داد گستری و استخدام) طی چند جلسه
 با حضور آقای دکتر عاملی وزیر داد گستری و آقای اشرف سمنانی معاون آن وزارتخانه
 مورد شور و رسیدگی واقع و پس از مذاکرات مفصل و بحث لازم با اصلاحاتی
 بتصویب رسید. اینک گزارش آن برای شور اول بشرح زیر تقدیم مجلس محترم
 میشود.

مخبر کمیسیون شماره ۳ (داد گستری و استخدام)

محمدعلی بوذری

طرح مربوط باضافه نمودن موادی بقانون آئین دادرسی مدنی

ماده ۱ - جمله زیر بماده ۵ آئین دادرسی مدنی الحاق میشود.
 هرگاه موکل بعلت ضیق وقت یا علت مهم دیگری نتواند وکالت نامه
 را بگواهی یکی از اشخاص یا مقامات مذکور در این ماده برساند و امضاء او نزد
 مرجع مربوط هم معروف نباشد و انتظار برای تصدیق امضاء موجب تفویض حقی
 باشد وکیل میتواند ذیل وکالت نامه تأیید کند که وکالت نامه را موکل اوشخصاً
 در حضور او امضاء یا مهر کرده یا انگشت زده است. در این صورت مرجع مربوط
 او را وکیل شناخته با مهلت متناسبی که از دو ماه نباید تجاوز کند میدهد که
 وکالت نامه مصدق دیگری بمرجع مربوط تقدیم کند والا از تاریخ انقضای مهلت
 وکیل شناخته نخواهد شد.

ماده ۲ - جمله زیر بماده ۶۶ آئین دادرسی مدنی الحاق میشود :

استعفاء و کیلی که دادخواست بدوی را تقدیم کرده در حین ابلاغ یا بعد

از ابلاغ اخطار رفع نقیصه تا پایان موعد تکمیل دادخواست مزبور بی اثر است و موجب ابلاغ اخطار مزبور موکل نخواهد بود.

ماده ۳ - جمله زیر بماده ۷۴ آئین دادرسی مدنی الحاق میشود.

علاوه بر اشخاص و مقامات مذکور فوق و کلای اصحاب دعوی نیز میتوانند مطابقت رونوشت‌های تقدیمی خود را با اصل تصدیق کرده پس از الصاق تمبر مقرر در آئین دادرسی بمرجع صالح تقدیم نمایند. در صورتیکه گواهی‌های موضوع این ماده مخالف واقع باشد عمل مشمول ماده ۱۱۲ قانون مجازات عمومی خواهد بود.

ماده ۴ - خواهان یا وکیل او میتواند ضمن دادخواست تقاضا نماید که اوراق راجع به دعوی بوسیله یکنفر وکیل درجه اول دادگستری یا سردفتر درجه اول اسناد رسمی ابلاغ شود و در صورتیکه در محل اقامت خوانده وکیل درجه اول دادگستری یا سردفتر درجه اول اسناد رسمی نباشد ممکن است تقاضا کند که ابلاغ بوسیله مدیر یک دبستان که در محل اقامت خوانده اقامت دارد انجام پذیرد.

ماده ۵ - خواهان یا وکیل او بر حسب مورد باید موافقت کتبی هریک از اشخاص مذکور در ماده ۴ را در قبول تصدی امر ابلاغ ضمیمه دادخواست خود نماید و در موافقتنامه مذکور مشخصات و نشانی کامل متصدی امر ابلاغ باید بطور وضوح تعیین گردد.

ماده ۶ - موارد رد مذکور در ماده ۹ قانون تشکیلات دادگستری در مورد افرادی که طبق ماده ۴ متصدی امر ابلاغ میشوند رعایت خواهد شد.

ماده ۷ - متصدیان ابلاغ موضوع ماده ۴ باید شخصاً ذیل اوراق ابلاغ صحت ابلاغ را گواهی نمایند ترتیب ابلاغ بر طبق مقررات آئین دادرسی مدنی خواهد بود.

ماده ۸ - در دعاوی مدنی کلیه دادخواستهای فرجامی وقتی بجزریان خواهد افتاد که لایحه فرجامی آن را یکی از وکلای پایه یک دادگستری تنظیم و امضاء کرده باشند نبودن امضاء وکیل در ذیل دادخواست فرجامی و نبودن وکالتنامه وکیل در پرونده امر یکی از نقائص محسوب و نسبت بآن طبق ماده ۴۳ آئین دادرسی مدنی رفتار خواهد شد.

ماده ۹ - هرگاه سالیانه بیش از پنجاه درصد از دادنامه‌های مورد دادخواست رسیدگی فرجامی یک نفر وکیل دادگستری که حد اقل آن از پنج دادنامه بیشتر باشد ابرام گردد وکیل مذکور برای مدت پنج سال از قبول و کالت فرجامی ممنوع خواهد گردید. مدیر دفتر دیوانعالی کشور مکلف است دفتر مخصوصی که بتوان بوسیله آن دفتر تعداد دادخواستهای سالیانه هریک از وکلا را تعیین و نسبت به نقص و ابرام آنها ممیزی نمود برای ثبت دادخواستهای فرجامی داشته باشد.

ماده ۱۰ - قواعد دادرسی اختصاری منحصراً در موارد زیر رعایت میشود :

۱ - دعاوی که در صلاحیت دادگاه بخش است.

۲ - دعاوی مربوط به حقوق خانواده و حضانت و ملاقات طفل و نفی ولد

و اثبات نسب.

۳ - مطالبه نفقه اقارب و زوجه.

۴ - دعوی اعسار

۵ - دعاوی مستند باوراق بازرگانی (برات و سفته و چک).

ماده ۱۱ - در دعاوی که موضوع آن مطالبه وجه نقد و دعوی مستند باسناد عادی است دادگاهها میتوانند بنا بتقاضای خواهان بدون احضار خوانده و در جلسه اداری و فوق العاده با ملاحظه اصول اسناد خواهان و رسیدگی و اخذ تأمینی کافی برای جبران خسارت احتمالی خوانده اقدام بصدور حکم غیابی نمایند.

این قبیل احکام از حیث آثار تابع مقررات مواد ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵

آئین دادرسی مدنی میباشد.

ماده ۱۲ - در دعاوی مربوط باسنادی که مشمول ماده ۹۲ و ۹۳ قانون تجارت

است تأمین مذکور در ماده ۱۱ اینقانون اخذ نخواهد شد.

ماده ۱۳ - در موردیکه حکم غیابی برطبق ماده ۱۱ صادر و اجرا شده است

محکوم به وصول شده وقتی بمحکوم له داده خواهد شد که مفاد حکم و اجرائیه

واقعاً بمحکوم علیه ابلاغ و نامبرده در مدت مقرر قانونی بدستور ماده ۱۷۵ قانون

آئین دادرسی مدنی اقدام بتقدیم دادخواست و خواهی نکرده باشد.

تشخیص اینکه محکوم علیه از مفاد حکم واقعاً اطلاع حاصل کرده است

با دادگاهی است که دستور اجرای حکم را داده است.

مادام که محکوم علیه از مفاد حکم و اجرائیه واقعاً اطلاع حاصل نکرده باشد محکوم به در صندوق دادگستری نگاهداری خواهد شد.

ماده ۱۴ - هرگاه در اثر صدور حکم غیابی و برگ اجرائیه مربوط بان مالی بازداشت گردد و محکوم علیه غایب بحکم اعتراض کند مادام که نتیجه قطعی دادرسی معلوم نشده آن مال در بازداشت خواهد ماند.

ماده ۱۵ - هرگاه حکمی طبق ماده ۱۱ صادر میشود مورد اعتراض محکوم علیه واقع شود و نتیجه تأیید گردد محکوم علیه علاوه بر پرداخت خسارت تأخیر تأدیه قانونی متناسب مدتی که دعوی در جریان بوده است به پرداخت مبلغی حد اکثر معادل یک چهارم خواسته بعلت اعتراض غیر موجه بنفع خواهان محکوم خواهد شد و معادل همان مبلغ بعنوان هزینه های اداری دادرسی محکوم میشود که بصندوق دولت بپردازد.

ماده ۱۶ - هرگاه پس از اعتراض بحکم غیابی محکوم علیه بتواند بیحقی خواهان را ثابت کند و حکم قطعی بر بیحقی خواهان صادر شود دادگاه ضمن صدور حکم علاوه بر محکومیت خواهان بر پرداخت هزینه های عادی دادرسی و حق الوکاله و هزینه سفر وکیل متناسب مدتی که دعوا در جریان بوده و با توجه بوضع عملیات اجرائی او را بپرداخت مبلغی حداکثر معادل یک چهارم بعنوان جریمه دعوای واهی بنفع خواننده محکوم خواهد کرد معادل همان مبلغ بعنوان هزینه های اداری دادرسی محکوم مینماید که بصندوق دولت بپردازد.

ماده ۱۷ - خساراتیکه خواهان بپرداخت آن محکوم میشود بوسیله دادگاه صادرکننده حکم و از محل تأمینیه که طبق ماده ۱۱ اخذ شده است وصول و بدو خسارت خواننده پرداخت و اگر مازادی باقی بماند هزینه های اداری مربوط بصندوق دولت از محل آن برداشت خواهد شد.

این حکم در مواردی که خواننده بپرداخت خسارت جریمه بنفع خواهان و هزینه های دیگر محکوم و اموالی از او نیز بازداشت شده باشد مجری است.

ماده ۱۸ - در صورتیکه تأمینیه که اخذ شده کمتر از مبلغ مورد حکم باشد خواننده و دولت برای وصول محکوم به مذکور در حکم طبق مقررات اجرای احکام رفتار خواهند کرد و از مال تحصیل شده بدو خسارت خواننده جبران میگردد.

ماده ۱۹ - بمحض صدور حکم توقف کلیه دعاوی مربوط به شخص متوقف طبق ماده ۲۹ قانون آئین دادرسی توقیف و چگونگی بداره تصفیه از طرف دادگاه اعلام میشود - جریان مجدد دعوی موکول به فسخ دادنامه توقیف یا تقاضای اداره تصفیه میباشد. در مورد این ماده کسانی که علیه متوقف اقامه دعوی کرده اند پس از توقیف دادرسی میتوانند بداره تصفیه مراجعه و طبق مواد مربوط بتصفیه امور ورشکستگی ادعای خود را اظهار کنند و اداره تصفیه مکلف است با توجه بجریان دعوی و مستندات خواهان راجع به ادعا اظهار نظر نماید در صورتیکه اداره تصفیه دعوی را جزاً یا کلاً رد نماید یا هرگاه طبق ماده ۲۸ و ۲۹ قانون تجارت و مواد ۳۵ و ۳۶ قانون تصفیه با مدعی رفتار شد یا طلب نامبرده از طرف اداره تصفیه مورد تصدیق واقع نشد مدعی میتواند بطرفیت اداره تصفیه دعوی خود را جریان دهد.

ماده ۲۰ - وکلا دادگستری هرگاه دعوی موضوع وکالت نامه خود را بغیر از مجرای دادرسی فیصله دهند مستحق دریافت حق الوکاله به تشخیص کارشناس خواهند بود.

نظر کانون وکلا نسبت بگزارش

کمیسیون محترم شماره ۳ (دادگستری و استخدام) مجلس سنا

خلاصه ای از نظر آقایان وکلای دادگستری

۱ - در مسالک دیگر وکالتنامه از وکیل مطالبه نمیشود (بقانون فرانسه استناد شده) و در مملکت مایکی از مراجع تسجیل وکالتنامه کدخدای محل است و در طرح تهیه شده اعتبار سجد وکیل کمتر از کدخدای محل تشخیص شده و بعد هم در مورد ضیق وقت یا علت مهم دیگر موقتاً بتصدیق وکیل ترتیب اثر داده شده که اثبات و احراز این امر خود موجب معطلی و تأخیر است و در صورتیکه در مهلت مقرر وکالت قابل قبول تقدیم نشود تصدیق وکیل بلا اثر تلقی خواهد شد - بنابراین بهتر است مقرر شود که وکیل اقدامی را که بعنوان وکالت مینماید باید در ظرف ده روز از طرف موکل تأیید شود والا اثری بر آن مترتب نخواهد شد.

۲ - هزینه دادرسی بعهد موکل است و راهی که برای حفظ حق موکل و رفع

مسئولیت وکیل بنظر میرسد این است که وکیل عرضحال ناقص تقدیم واستعفا نماید و جلوگیری از آن موجب خواهد شد که وکیل یا اقدامی بعد از ابلاغ اخطار برای حفظ حق موکل نکند و یا خود ضرری که بسا هست معتنابه باشد متحمل شود و یا از عهده آن برنیاید و حق ضایع گردد - بنابراین بهتر است که ماده مزبور حذف شود .

۳ - گواهی مطابقت رونوشت با اصل را بعضی از همکاران قبول کرده ولی ذکر ماده قانون مجازات را که شامل هر کسی است که گواهی برخلاف واقع بکند در مورد وکیل موهن میدانند و اظهار میدارند همین طور که در مورد سایر مراجع ماده جزائی ذکر نشده ولی اگر مرتکب جرم شدند تعقیب میشوند در این مورد هم ماده جزائی حذف شود و چون صلاحیت تصدیق بایشان داده شد قهراً مسئولیت تصدیق خلاف واقع هم متوجه ایشان خواهد شد و بعضی اصلاً موافق با این اختیار نیستند و معتقدند بسا هست اوراق و مدارک متعدد و مفصل است و وکیل شخصاً نمیرسد که آنها را تطبیق کند و مسئولیت دفتردار یا منشی خود را هم نمیتواند تحمل نماید بنابراین بهتر است حذف شود .

۴ - ابلاغ بوسیله وکیل یا اشخاص دیگر وسیله ایست برای ایجاد اختلافات دیگر بین صاحب کار و کسیکه برای ابلاغ معرفی شده و فایده ای برای آن فرض نمیشود .

۸ و ۹ - سابقاً پیشنهادی برای الزامی شدن وکالت در دادگاه شهرستان و استان و دیوان کشور شده جناب آقای دکتر پرویز کاظمی هم پیشنهادی در این باب دادند و کانون بهمان نظر باقی است و تغییر نظر قضائی امر خیلی ساده ایست چنانکه در قانون وحدت رویه قضائی هم بتغییر رویه اشاره شد و جلوگیری از تقاضای فرجام در موردیکه مخالف رویه موجود باشد مانع ترقی افکار قضات و وکلاء خواهد شد و بعد از لایحه سابق توجه شد بنظریکی از وکلاء معروف انگلیسی که وکیل راذیحق در اظهار نظر بعدم پیشرفت کاریکه باو رجوع شده ندانسته و قضاوت را در شان قضات دانسته است و فعلاً هم هزینه سنگینی برای رسیدگی بشکایات فرجامی بفرجامخواه تحمیل میشود و همان تحمیل هزینه کافی است برای اینکه حتی الامکان از فرجام بیمورد خودداری شود و اگر وکیل هم موکل را تشویق بخواستن فرجام که عدم پیشرفت آن مسلم بوده نموده باشد موکل

میتواند شکایت انتظامی نماید و احتیاج بماده مخصوصی آنهم تنزیل درجه قهری برای وکیل نخواهد بود .

۱ - دربند ۵ این ماده بهتر است اوراق بازرگانی حذف شود زیرا در ماده ۳۱۴ قانون تجارت ذکر شده (صدور چک ولو اینکه از محلی بمحل دیگر باشد عمل تجاری محسوب نیست) بنابراین عبارت بند ۵ باین نحو اصلاح شود بهتر است . (دعاوی مستند ببرات و سفته و چک) .

۱۱ - بجای این ماده بهتر است ترتیبی داده شود که سفته ها با هزینه کمی در دفتر مخصوصی که در شعب بانکها و دفاتر اسناد رسمی گذاشته میشود ثبت برسد و برطبق آن اجرائیه صادر گردد و بجای اوراق عادی سفته رد و بدل خواهد شد و مواد مربوط باین ماده هم حذف شود .

۲ - مطابق ماده ۶۹ آئین نامه حق الوکاله که بموجب ماده ۱۹ لایحه قانونی استقلال کانون به تصویب وزیر دادگستری رسیده حق الوکاله اموری که خارج از دادگستری یا پس از طرح آن در دادگاه به داوری ارجاع میگردد و طبق رای داور خاتمه پیدا میکند و همچنین در موردیکه وکیل بر حسب اختیار سازش دعوی را در دادگاه یا خارج از دادگاه بصلح خاتمه میدهد حق الوکاله بمیزان حق الوکاله مرحله نخستین است و احتیاجی بماده ۲ نخواهد بود .

رئیس کانون وکلا ۵ دادگستری